

تأثیر توسعه متوازن بر همگرایی ملی در مناطق مرزی

محمد جعفری*

E-mail: M.jafari1952@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۸

چکیده

همگرایی و انسجام ملی و پرهیز از ایجاد واگرایی یکی از مهم‌ترین کارکردهای دولت‌ها برای بهره‌مندی حداکثری از منابع کشور و ممانعت از ایجاد فرصت برای بیگانگان جهت نفوذ و تاراج این منابع است. این موضوع از این منظر اهمیت مضاعف دارد که بدون انسجام ملی و بهره‌وری به‌عنوان کلیدواژه اصلی بهره‌مندی صحیح از منابع جهت ایجاد امکان رقابت با سایر کشورها و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فراهم نخواهد شد. لذا این پژوهش کوشید تا در کنار سایر عوامل مؤثر بر همگرایی ملی که در بسیاری از مطالعات علوم اجتماعی به آن پرداخته شده، به این پرسش پاسخ دهد که آیا توسعه متوازن منجر به همگرایی ملی در مناطق مرزی می‌شود؟ برای پاسخ به این پرسش از روش داده بنیاد یا گراند تئوری استفاده شد. در این روش محقق می‌کوشد تا با بررسی و واکاوی پدیده‌ها و حقایق آشکار شده و انجام تحقیقات میدانی و پرسش و تحقیق از نخبگان مربوطه به یک تئوری یا سازه مفهومی درخصوص موضوع مورد تحقیق دست پیدا کند. در این تحقیق از ۸۴ نفر از نخبگان که عمدتاً از استان‌های مرزی انتخاب شدند، درخصوص هشت شاخص اقتصادی به‌عنوان متغیرهای مؤثر (مثبت و منفی) بر همگرایی ملی که نمایندگی توسعه یا عدم توسعه متوازن را داشتند، تحقیق شد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد پنج شاخص توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی، سرمایه‌گذاری عمرانی دولت، توسعه انسانی بیش از ۶۰ درصد به‌عنوان عامل قوت همگرایی ملی و بیش از ۷۰ درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد بر همگرایی ملی تأثیر دارد. سه شاخص بیکاری جوانان، فساد اقتصادی در جامعه و شکاف طبقاتی یا توزیع نامناسب منابع به‌عنوان عامل ضعف مطرح هستند. نتایج آزمون اختلاف میانگین نیز نشان می‌دهد که تقویت ۵ شاخص اول تا حد زیادی منجر به افزایش همگرایی و انسجام ملی در مناطق مرزی خواهد شد و تقویت سه شاخص بعدی نتیجه عکس به دنبال خواهد داشت.

کلید واژه‌ها: توسعه متوازن، انسجام ملی، واگرایی ملی، اقوام، نظریه داده بنیاد، امنیت اقتصادی.

* عضو هیئت علمی و مدرس دانشگاه علامه طباطبایی، نویسنده‌ی مسؤل

مقدمه و بیان مسأله

نظریه پردازان توسعه، با ارجحیت حوزه اقتصاد، توسعه اقتصادی فراگیر را عامل کاهش و حتی حذف تضادهای اجتماعی و هم‌چنین ادغام گروه‌های قومی، زبانی و مذهبی برمی‌شمرند. به نظر آنها فرآیند توسعه‌یافتگی به‌سان کوره‌ی مذابی، اقشار و گروه‌های مختلف را در واحد ملی ذوب می‌کند. براساس این نظریات، اصولاً عقب‌ماندگی‌های اقتصادی و صنعتی، فقدان رشد سرمایه‌داری ملی و نبود بازار یکپارچه و ملی، موجب بقای بازارهای محلی، منطقه‌ای شدن تقسیم کار و طبعاً بقا و حتی تشدید تضادهای اجتماعی بین مناطق مختلف کشور می‌شود. طیف دیگری از نظریات که بر ارجحیت حوزه فرهنگ و به‌ویژه ارتباطات تأکید می‌کنند، معتقدند که ضعیف بودن امکانات و فناوری و ارتباطات موجب تداوم و بقای خرده‌فرهنگ‌های منطقه‌ای، قومی و مذهبی می‌شود. بنابراین با اولویت بخشیدن به توسعه فرهنگی و ارتباطی، عملاً چنین تضادهایی از جامعه رخت برمی‌بندد.

تجربه نشان داده است که به کارگیری مستقل و مجرد هرکدام از نظریات مذکور برای برخی کشورها نتایج عکس داشته است. تمرکز محض به توسعه اقتصادی بدون توجه به کارکردهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی توسعه، نتوانسته همگرایی و انسجام عمیق ملی را به ارمغان بیاورد. چه اینکه کاربست الگوهای فوق در برخی کشورهای توسعه‌نیافته یا درحال توسعه، از جمله برخی کشورهای امریکای جنوبی، غرب آسیا و حتی اروپا عملاً نتایج معکوسی به بار آورده است. از مهم‌ترین این اعترافات درخصوص ناکارآمدی مذکور می‌توان به استیگلیتز (۲۰۰۱)، اقتصاددان مشهور و برنده جایزه نوبل اقتصاد اشاره کرد که به دلیل تجویز نسخه واحد و ناکارآمد توسعه‌ای برای کشورهای توسعه‌نیافته، عذرخواهی کرد؛ چرا که او بدون در نظر گرفتن شرایط بومی هر کدام از این کشورها منطبق با سیاست اقتصادی اعمالی در امریکا، پیشنهادات سیاستی مشابه را ارائه داد که در عمل به ضد اهداف مورد نظر تبدیل شد و به نوعی شکاف طبقاتی و فقر بیشتر را در کشورهای توسعه‌نیافته به‌وجود آورد. سیکورات، اندیشمند علوم اجتماعی معتقد است، مسأله کشورهای آسیایی و آفریقایی، عدم توسعه متوازن و استمرار و تعمیق هرچه بیشتر توسعه‌نیافتگی از یک‌سو و تشدید تضادهای اجتماعی از سوی دیگر است. ضمن این‌که عدم یکپارچگی اجتماعی و فرهنگی، ثبات داخلی را نیز برهم می‌زند (ربیعی، ۱۳۸۳: ۳۱۷).

به گفته واکر کارنر (۲۰۰۴) تنها تعداد معدودی از کل کشورهای جهان را می‌توان نام برد که به‌طور حقیقی از عناصر مشابه تشکیل شده‌اند، حدود ۹۰ درصد آنها تنوع

گروهی و قومی دارند. این تضادها منجر به گسترش خشونت سیاسی توأم با چندپارگی قومی شده است.

بدین ترتیب بر کوشش برای ایجاد توسعه‌ی همگون و کاهش اثرات ذاتی توسعه نامتوازن و کاهش تضاد اجتماعی و افزایش وحدت به‌ویژه در مناطق مرزی تأکید شده است. موضوعی که رهبر معظم انقلاب آن را «پیشرفت ملی» می‌نامند. به این معنی که توسعه اقتصادی با تمام ملاحظات و ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن مطلوب نظر است. بنابراین در این مقاله به نقش توسعه متوازن اقتصادی (در قالب شاخص‌های مورد قبول به‌عنوان یکی از ابعاد پیشرفت ملی)، در ایجاد هرچه بیشتر انسجام ملی با تمرکز بر مناطق مرزی پرداخته می‌شود. می‌کوشیم پس از بیان مقدمه و تشریح مسأله، به سؤالات، اهداف و روش‌های تحقیق بپردازیم و سپس به تحقیقات انجام شده‌ی مرتبط با موضوع مقاله اشاره کنیم و در ادامه به مبانی و چهارچوب نظری بپردازیم و با تجزیه و تحلیل یافته‌ها و نتایج حاصله و جمع‌بندی، پیشنهادهای سیاسی آرایه دهیم.

سؤال‌های تحقیق

- ۱- آیا توسعه متوازن در قالب شاخص‌های مورد نظر و بهره‌مندی عادلانه مناطق مختلف از فرصت‌های اقتصادی، به‌عنوان عاملی فرصت‌زا برای افزایش همگرایی ملی و کاهش شکاف در مناطق مرزی محسوب می‌شود؟
- ۲- تأثیرگذاری شاخص‌های توسعه اقتصادی بر همگرایی ملی در مناطق مرزی به چه میزان است؟

اهداف تحقیق

- ۱- بررسی میزان تأثیرگذاری توسعه بر همگرایی بیشتر و امنیت پایدار در مناطق مرزی؛
- ۲- احصای راهکارهای اجرایی جهت کاهش شکاف‌ها و افزایش همگرایی و انسجام ملی
- ۳- شناسایی مؤثرترین شاخص‌های ایجابی و سلبی افزایش یا کاهش همگرایی ملی.

روش پژوهش

۱- نوع تحقیق

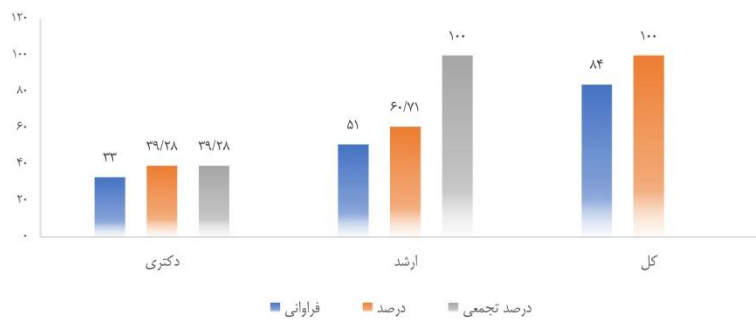
تحلیل محتوا براساس روش داده بنیاد (گراندد تئوری) به‌عنوان یکی از روش‌های کارآمد در پژوهش‌های علوم انسانی، راهنمای این مطالعه قرار گرفت. در این روش محقق با

استفاده از مطالعه متون مختلف و بهره‌مندی از ابزار کمکی به اطلاعات و داده‌ها دست می‌یابد و از طریق تجزیه و تحلیل آن اطلاعات، به نتایج لازم برای فرضیه موردنظر می‌رسد. بنابراین در این مقاله براساس مطالعات کتابخانه‌ای، مطالعه میدانی و بازدید از برخی استان‌های مرزی، بهره‌گیری از نتایج حاصل از اجرای مدل‌های اقتصادی انجام شده در سایر مطالعات، به بررسی توصیفی - تحلیلی تأثیر توسعه متوازن بر همگرایی ملی پرداخته شد. ضمناً اطلاعات مربوط به اعتبارسنجی یافته‌های تحقیق نیز از طریق پرسشنامه گردآوری شده است.

۲- جامعه و نمونه آماری

با توجه به تخصصی بودن موضوع تحقیق، جامعه آماری به صورت تخصصی‌گزینش شد. بنابراین با ۸۴ نفر از افراد صاحب‌نظر در حوزه موضوع پژوهش مصاحبه شد و چون جامعه کمتر از ۱۰۰ نفر بود، نمونه‌گیری به صورت تمام شمار انجام شد. فراوانی جامعه آماری به تفکیک تحصیلات در نمودار ۱ نشان داده شده است.

نمودار شماره ۱: فراوانی جامعه آماری به تفکیک سطح تحصیلات



همان‌طور که از جامعه آماری مشخص است حدود ۴۰ درصد از پاسخگویان تحصیلات دکتری دارند؛ ضمن این‌که تجربه عملی و سنوات کاری ایشان بالای ۲۰ سال بوده است که در رشته‌های اقتصاد، مدیریت، علوم اجتماعی، جغرافیای سیاسی، روابط بین‌الملل، علوم سیاسی و مطالعات امنیت ملی تحصیل و تجربه کسب کرده‌اند.

۳- روش تجزیه و تحلیل

طبقه‌بندی اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها با استفاده از نرم‌فزارهای SPSS و Eviews به تفکیک در خصوص متغیرهای مؤثر بر توسعه و نیز تحلیل نظرات نخبگانی بوده است.

در این خصوص ضمن بازدید میدانی از برخی استان‌های مرزی از جمله سیستان و بلوچستان، هرمزگان، خوزستان و آذربایجان غربی از نظرات کارشناسی مدیران مراکز علمی - پژوهشی، مدیران و کارشناسان استانی و محققان حوزه آمایش سرزمین، آمایش شهری و منطقه‌ای استفاده شد و نیز نظر مسئولان و کارشناسان سیاسی و اقتصادی استان‌های مذکور در تجزیه و تحلیل ساختارهای مؤثر بر همگرایی ملی به‌ویژه توسعه‌ی متوازن در مناطق مرزی به کار گرفته شد.

پیشینه‌ی تحقیق

در خصوص توسعه و نیز انسجام و همگرایی ملی به‌صورت مجرد تحقیقات زیادی انجام شده است، لیکن در حوزه تأثیر توسعه متوازن بر انسجام ملی و همگرایی، مطالعات محدودی در داخل کشور انجام شده است. لذا بررسی توأمان این دو موضوع به‌ویژه به‌صورت میدانی و با محاسبات ریاضی از نوآوری‌های این پژوهش است. چکیده‌ای از برخی مطالعات این حوزه به شرح ذیل ارائه می‌شود:

- مطالعات داخلی

قادر حاجت و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله خود به نقش بازارچه‌های مرزی در امنیت و توسعه پایدار نواحی پیرامونی پرداخته‌اند. آنها با روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر مطالعات میدانی به‌ویژه مطالعه در استان خراسان جنوبی، به ظرفیت‌های بالای بازارچه‌های مرزی در ایجاد انسجام هرچه بیشتر مردم با حاکمیت و افزایش امنیت پایدار پرداخته‌اند. خروجی تحقیقات آنها نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی به تنهایی منجر به پیشرفت نمی‌شود، لیکن تأثیر مثبت بر همگرایی و امنیت دارد.

زیاری و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ی خود به چالش‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی توسعه نامتوازن نواحی ایران با تمرکز بر استان‌های مرزی پرداخته‌اند. آنها در مطالعه خود به افزایش فاصله طبقاتی طی دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ از مرکز به سمت استان‌های مرزی و در نتیجه کاهش توسعه‌یافتگی و امنیت پی برده و جهت رفع این مشکل توجه به برنامه‌ریزی منطقه‌ای با توجه به ساختار فضایی هر منطقه را پیشنهاد کرده‌اند.

در مطالعه دیگری رحمانی و حسن‌زاده (۱۳۹۰) با عنوان «اثر مهاجرت بر رشد اقتصادی و همگرایی منطقه‌ای در ایران» به بررسی رابطه‌ی بین مهاجرت و فرضیه همگرایی در بین استان‌های مختلف با تمرکز بر استان‌های مرزی در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۹ پرداخته‌اند. نتایج به‌دست آمده وجود «همگرایی بتا» در بین استان‌های ایران را

تأیید می‌کند. بنابراین مهاجرت، شکاف و عدم وابستگی بین استان‌های مرزی و سایر استان‌ها را افزایش می‌دهد.

اطاعت و موسوی (۱۳۹۰)، در مقاله خود با عنوان «رابطه متقابل امنیت منطقه‌ای و توسعه‌یافتگی فضاهاى سیاسى با تأکید بر استان سیستان و بلوچستان» با در نظر گرفتن ارتباط مستقیم میان امنیت ملی و توسعه ملی، به بررسی سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور به منظور مقایسه استان‌های مرزی و مرکزی با تأکید بر استان سیستان و بلوچستان پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که شکاف عمیقی میان سطح توسعه‌یافتگی استان سیستان و بلوچستان به عنوان یک استان مرزی نسبت به نواحی دیگر وجود دارد. عقب‌ماندگی از دیگر استان‌ها در توسعه به همراه عوامل دیگر موجب شده است که مردم این استان خود را در سرنوشت ملی کمتر شریک بدانند و برخلاف دیگر اقوام ایرانی، در تحولات بزرگ درون جامعه ملی ایران، نقش قابل توجهی به عهده نگیرند.

ویسیان و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه امنیت پایدار - مطالعه موردی: استان کردستان» به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه امنیت پایدار در استان کردستان پرداخته‌اند. نتایج بررسی ایشان نشان می‌دهد شناسایی تهدیدها، آسیب‌شناسی، ظرفیت‌سنجی و ارائه الگوی متناسب با منطقه، عواملی هستند که توجه به آنها منجر به استقرار امنیت در استان کردستان می‌شود.

کریمی و وفایی (۱۳۹۲) در مطالعه خود به نقش توسعه پایدار در مناطق مرزی با تمرکز بر شهر مریوان پرداخته‌اند. آنها در مقاله خود پس از مطالعه اسنادی و میدانی به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه پایدار مناطق مرزی، به ثبات و امنیت پایدار این مناطق منجر می‌شود. بنابراین توزیع عادلانه امکانات و ایجاد بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی منجر به توسعه هرچه بیشتر مناطق و افزایش همگرایی و کاهش ناامنی‌ها در مناطق مرزی می‌شود.

قیصری و حسینی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای نسبت به بررسی ابعاد و شاخص‌های امنیت پایدار مبتنی بر مدل مهندسی همگرایی ملی اقدام کرده‌اند. در این مقاله به بررسی تأثیر متغیرهای هویتی، معیشتی و نهادی بر متغیر میانجی همگرایی ملی و در نتیجه تأثیر این متغیر در مجاورت متغیر خارجی بر امنیت پایدار پرداخته شده است. نتیجه تحقیق این بوده است که متغیرهای متناسب به همگرایی هویتی با تعیین نوع، شکل، شدت و بسامد امنیت پایا، نقش اصلی و محوری را در تولید همگرایی ملی و در نتیجه امنیت پایدار با دوام نسبتاً درازمدت و نهادی شده، دارند.

راستی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان «اقدامات توسعه‌ای و نقش آن در تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی؛ مطالعه موردی: کمربند سبز دشت خوشاب/ مرز خراسان جنوبی با افغانستان» به بررسی نقش توسعه اقتصادی در تأمین امنیت مناطق مرزی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین اشتغال و تأمین امنیت در مناطق مرزی ارتباط معنی‌داری وجود دارد و توجه به توسعه و امنیت مناطق مرزی و افزایش رفاه و درآمد اقتصادی مرزنشینان از طریق فعالیت‌های سالم اقتصادی، با حمایت و سرمایه‌گذاری دولت بر کارکرد امنیتی این مناطق تأثیر مثبت دارد.

خضری و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ی خود با عنوان «پیامدهای امنیتی ناموزونی توسعه منطقه‌ای در ایران» به بررسی پیامدهای امنیتی توسعه نامتوازن در استان‌های کشور پرداخته‌اند. براساس یافته‌های این مقاله، تداوم توسعه نامتوازن در مناطق مختلف کشور، به مسائلی مانند ادامه مهاجرت از مناطق کمتر توسعه یافته به مناطق برخوردار، بی‌تعادلی در استقرار جمعیت، شکل‌گیری پدیده ابرتراکمی جمعیتی در مناطق برخوردار، گسترش حاشیه‌نشینی در کنار شهرهای بزرگ، افزایش خطرپذیری مراکز زیست، تنش در بهره‌برداری از مناطق زیست محیطی منجر می‌شود؛ که این موارد در میان مدت و درازمدت باعث چالش یکپارچگی و انسجام اجتماعی، شکنندگی اقتصاد ملی و واگری‌های سیاسی می‌شود و امنیت ملی را به مخاطره می‌اندازد.

- مطالعات خارجی

کارنز و پونتون (۱۹۹۵)، همگرایی در ۲۴ منطقه کلمبیا را بررسی کرده‌اند. نتایج آنها وجود فرایند همگرایی منطقه‌ای را اثبات می‌کند. در این مقاله هم‌چنین اثر مهاجرت بر همگرایی منطقه‌ای نیز بررسی شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، میزان مهاجرت از سرعت همگرایی بین مناطق کلمبیا اندکی کاسته است.

مالیک (۲۰۱۴)، در پژوهش خود با عنوان همگرایی منطقه‌ای رشد اقتصادی در دوره پساصلاحات در هند به بررسی رابطه همگرایی منطقه‌ای و رشد اقتصادی در این کشور پرداخته است. در این مقاله همگرایی منطقه‌ای منتج از رشد اقتصادی پانزده ایالت اصلی در کشور هند از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۵ بررسی شده است. نتایج تحقیق وجود همگرایی میان ایالات با درآمد متوسط را تأیید می‌کند. هم‌چنین شواهد حاکی از وجود همگرایی درآمد سرانه در میان ایالات مورد مطالعه است.

بریو (۲۰۱۵)، افزایش نابرابری منطقه‌ای در کانادا را مورد پژوهش قرار می‌دهند. مطالعه

آنها نشان می‌دهد که عواملی مانند صنعت، سطح توسعه یافتگی اقتصادی و میزان بیکاری و سطح اشتغال از عوامل تعیین‌کننده و اصلی نابرابری منطقه‌ای است و بنابراین ترکیب این عوامل می‌تواند باعث کاهش نابرابری منطقه‌ای و افزایش همگرایی منطقه‌ای شود.

حسن کرامار (۲۰۱۶) در مقاله خود با عنوان همگرایی منطقه‌ای و توسعه اقتصادی در اتحادیه اروپا: ارتباط بین رشد ملی و نابرابری‌های منطقه‌ای در میان کشورهای عضو به بررسی نقش توسعه اقتصادی در همگرایی منطقه‌ای در میان اعضای قدیم و جدید اتحادیه اروپا پرداخته‌اند. نتایج تحقیقات ایشان نشان می‌دهد که میان سرعت رشد اقتصادی و شدت توسعه منطقه‌ای یک رابطه همبستگی مثبت وجود دارد.

همان‌گونه که مرور شد محققان خارجی و داخلی زیادی توسعه (متوازن و نامتوازن) و همگرایی و انسجام ملی را از ابعاد مختلف به‌طور مستقل بررسی کرده‌اند. اما ارتباط این دو مفهوم یعنی توسعه متوازن از یک‌سو و همگرایی و انسجام ملی از سوی دیگر، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. لذا در این مقاله تلاش شده است، با ارایه شواهد تجربی بین‌المللی و داخلی و نیز تحقیقات میدانی و با کمک نرم‌افزارهای آماری و اقتصادی پاسخ لازم برای احصای میزان تأثیرگذاری شاخص‌های توسعه اقتصادی بر همگرایی ملی داده شود.

مبانی و چهارچوب نظری

برای تبیین اثرات توسعه متوازن اقتصادی بر همگرایی و انسجام ملی ضروری است در ابتدا به دو مقوله توسعه متوازن و همگرایی ملی به‌صورت مجزا پرداخته شود و سپس تأثیرگذاری توسعه متوازن بر همگرایی مورد بررسی قرار گیرد. البته با رویکرد سلبی می‌توان اثر توسعه نامتوازن بر شکاف قومیتی را نیز در نظر داشت، لیکن به نظر می‌رسد رویکرد ایجابی که کمتر پرداخته شده، تأثیر هم‌افزای بیشتری داشته باشد.

۱- توسعه متوازن

در مواردی دیده شده است که دو واژه رشد اقتصادی و توسعه به شکل غیردقیق به جای یکدیگر استفاده می‌شوند. درحالی‌که رشد اقتصادی به جنبه‌های انسانی، اجتماعی و به جنبه‌های سیاسی پیشرفت جوامع بشری بی‌اعتنا است، اما هر زمان که از توسعه سخن گفته می‌شود منظور یک رشد و پیشرفت اقتصادی متوازن است که هم جنبه‌های عدالت اجتماعی را در نظر می‌گیرد و هم از جنبه سیاسی همواره نگاهی به دموکراتیزه کردن جوامع بشری دارد.

برای دستیابی به توسعه متوازن، استراتژی‌های مختلفی در جهان به کار گرفته شده است که از مهم‌ترین و مؤثرترین این استراتژی‌ها می‌توان به «استراتژی توسعه منطقه‌ای» به‌عنوان یکی از آخرین دستاوردهای جامعه علمی، برای دستیابی به توسعه و تعادل منطقه‌ای نام برد. این استراتژی به‌منظور از بین بردن اختلاف ساختاری منطقه‌ای و ایجاد فرصت برابر برای تمامی مناطق طرح شده و به‌عنوان ابزاری برای ایجاد جوامع پایدار شناخته می‌شود. (محمدی، ۱۳۹۲: ۲۲)

اهداف اصلی استراتژی توسعه عبارتند از: تحقق توسعه پایدار، ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای، ارتقای کیفیت زندگی اجتماع محلی در مناطق جغرافیایی مشخص، ایجاد مناطقی پایدار، پویا و مترقی از حیث اقتصادی، محیطی، اجتماعی و سیاسی، تقویت رقابت اقتصادی منطقه‌ای و تلاش برای از بین بردن وضع نامساعد اجتماعی و اقتصادی، محافظت و ارتقای سرمایه‌های فیزیکی، طبیعی و مصنوعی منطقه، ارتقای مسکن، حمل و نقل، کیفیت آب، انرژی و راهبردهای دفع پسماندها، تهیه زیرساخت‌ها، فراهم آوردن خدمات عمومی، راهنمایی‌های عمومی و تصمیمات سرمایه‌گذاری خصوصی مربوط به کاربری زمین و درک چشم‌انداز وسیع‌تر و نحوه رقابت با دیگر مناطق در تکامل بلندمدت از مناطق تکامل بلندمدت. (ایژوشی، ۲۰۱۴: ۲۱) در واقع توسعه منطقه‌ای می‌تواند کوششی عمومی برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای باشد که غالباً با حمایت از کارآفرینی، دانش و نوآوری به‌عنوان عوامل کلیدی زیربنای توسعه اقتصادی آینده، رشد مناطق و توان رقابت‌پذیری و پویایی آنها را تضمین می‌نماید.

۲- همگرایی و انسجام ملی

همگرایی و انسجام ملی وضعیتی اجتماعی است که همبستگی اجتماعی را در ساختار اجتماعی و قدرت سیاسی و احساس تعلق ملی را میان گروه‌ها و افراد جامعه ایجاد و تقویت می‌کند. همگرایی ملی نوعی فرآیند و سازوکار اجتماعی است که قسمت‌ها و بخش‌های مختلف یک جامعه را به درون یک کلیت وارد می‌کند.

قدرت جاذبه‌ای که گروه بر اعضای خود وارد می‌کند، موجب هم‌فکری و همراهی می‌شود. همبستگی یک گروه سبب می‌شود که گروه همچون یک تن واحد عمل کند. تفرق، وضعیت مقابل همبستگی است. (موکی‌یلی، ۱۳۷۰: ۱۶۲) همبستگی ملی، احساسی است که مفهوم هویت و وفاداری را دربردارد؛ بدین ترتیب در حس همبستگی ملی احساس مشترکی میان سرزمین و مردمان مختلف آن به‌وجود می‌آید بدون آن‌که آنها از لحاظ فرهنگی و فضایی به هم نزدیک باشند. (بهبروز، ۱۳۷۴: ۱۱۲) تحقق همگرایی در

هر سطحی مستلزم این است که بین این عناصر سه گانه نوعی اتصال محکم و مفصل‌بندی متعادل و متقارن شکل گیرد. همگرایی در سطح کلان (نظام اجتماعی) به مفهوم ملت‌سازی نزدیک است و در مقابل آن واگرایی ملی قرار دارد.

- واگرایی ملی

واگرایی ملی وضعیتی است که همبستگی اجتماعی را در ساختار اجتماعی و قدرت سیاسی کاهش می‌دهد، احساس تعلق ملی را میان گروه‌ها و افراد جامعه از بین می‌برد و مانع همبستگی سیاسی - اجتماعی می‌شود و اساساً حیات ملی را تهدید می‌کند. واگرایی موجبات کاهش مشروعیت (مقبولیت) و یکپارچگی و انسجام اجتماعی نظام را فراهم می‌کند. کاهش مشروعیت موجب بی‌ثباتی سیاسی و کاهش امنیت داخلی و کاهش نفوذ حاکمیت می‌شود و آسیب‌پذیری‌های نظام سیاسی را در مقابله با تهدیدهای خارجی افزون‌تر می‌کند. (امینی، ۱۳۸۹: ۲)

آثار واگرایی ملی بر امنیت ملی

واگرایی ملی همواره دارای اثرات سوء اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نهایتاً امنیت ملی است که در ذیل به این اثرات به‌طور مختصر پرداخته می‌شود:

۱- امکان شکل‌گیری ناامنی‌های داخلی

چندپارگی و تشتت و تبدیل یک دولت - ملت به گروه‌های قومی متعدد، ابعاد جدیدی را به مسأله پیچیده‌ی امنیت ملی در جهان سوم افزوده است. شکاف‌های قومی ریشه‌دار، اجازه گرد آوردن نیازها، ارزش‌ها و علایق ملی را بیش از آن مقدار که از قبل وجود داشته را نمی‌دهد. هر گروه قومی، احتمالاً هویت جمعی خاص خود را براساس ارزش‌ها و علایق گروهی به جای ارزش‌ها و علایق ملی، دنبال می‌کند. همواره تلاش دولت‌ها جهت یکسان ساختن، همساز کردن و مهار کردنشان با چالش مواجه شده است. برای مثال، به‌رغم تلاش‌های مداوم دولت عراق، گردهای این کشور اهداف ناسیونالیستی خود را در مورد تمامیت ارضی و خودمختاری سیاسی دنبال کرده‌اند. در نتیجه، ارزش‌ها و علایق گردها به‌رغم آن‌که در حوزه حاکمیت عراق قرار دارد، با ارزش‌ها و علایق آن کشور هماهنگ نبوده است. بنابراین تلاش جهت تعریف ارزش‌های ملی مشترک که موجب همبستگی ملی شود بسیار سخت اما مهم است. ارزش‌های گروهی رقیب، غالباً به‌صورت فعالیت‌های سیاسی آشکار بروزمی‌کند، به‌خصوص جنبش‌های تجزیه‌طلب و جدایی‌طلب که خواستار مشروعیت ارضی جداگانه، به‌معنای استقلال یا خودمختاری از یک واحد ارضی بزرگ‌ترند. از این‌رو،

تلاش برای ایجاد وحدت گروه‌ها و جریان‌ها در هر کشوری از دغدغه‌های سیاستمداران بوده و بهره‌مندی از منافع مشترک ملی، یکی از بهترین راهکارها بوده که معمولاً بر بستر منافع اقتصادی مشترک شکل می‌گیرد.

۲- ایجاد بستر لازم، برای افزایش مداخله‌های خارجی

در بسیاری موارد، مناقشات گروهی باعث می‌شود مرز بین تهدیدهای داخلی و خارجی نامشخص و مبهم شود. در مرحله آغازین، اکثر جنبش‌های جدایی به یک قلمرو محلی محدود می‌شوند، ولی از آنجا که پاسخگویی به خواست‌ها، امری پیچیده و متأثر از حامیان خارجی است، با مشکلاتی همراه است. اتحاد بین گروه‌های ناراضی و عوامل خارجی، پیچیدگی‌های بیشتر را در مورد تهدیدات داخلی و خارجی را به وجود می‌آورد و در نتیجه مدیریت تهدیدها را مشکل‌تر می‌سازد.

جدول شماره ۱: بخشی از مناقشات طولانی اجتماعی

مکان	موضوع مناقشه	شیوه اعمال خشونت	طرف‌های خارجی
کشمیر	محلی - تجزیه طلب	پنهان - علنی	پاکستان / هند / چین
اعراب - اسرائیل	محلی - استراتژیک - ارضی	علنی	امریکا / روسیه / بریتانیا / بسیاری دیگر از کشورها
قبرس	محلی - تجزیه طلب	پنهان - علنی	ترکیه / یونان / ناتو
اریتره	محلی - تجزیه طلب	پنهان - علنی	اتیوپی / اسرائیل / دولت‌های عرب / امریکا
لبنان	محلی - استراتژیک	علنی	اعراب / اسرائیل / امریکا / روسیه / بریتانیا / فرانسه
کامبوج - ویتنام	قومی - ارضی	پنهان - علنی	چین / روسیه / آسه آن
گُردها	محلی - تجزیه طلب	پنهان - علنی	ترکیه / عراق / اسرائیل - امریکا
میندناو - مسلمانان	محلی - تجزیه طلب	پنهان - علنی	فیلیپین / مالزی / لیبی
پولیساریو	محلی - تجزیه طلب	علنی	مراکش / الجزایر / لیبی
آفریقای جنوبی	نژادی - طبقاتی	پنهان - علنی	کشورهای آفریقای همجوار
افغانستان	ایدئولوژیکی - طبقاتی	علنی	روسیه / پاکستان / اعراب / امریکا
سری لانکا	محلی - تجزیه طلب	علنی	هند

منبع: جعفری (۱۳۹۷: ۲۲۸-۲۲۹)

بحران یکپارچگی در مجموع، توانایی‌ها و منابع داخلی را به مصرف رسانده و توان سیاسی کشور را فلج می‌کند. در حال حاضر بیش از ۶۰ مناقشه محلی در جهان سوم در جریان است که جملگی دارای ویژگی طولانی بودن و نوسان مستمر بین خشونت‌های علنی و پنهان هستند.

۳- افزایش هزینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی

هزینه مناقشات منتج از افزایش شکاف‌های قومیتی چه به لحاظ انسانی و چه به لحاظ مادی سنگین است. مناقشات طولانی نه تنها زیرساخت‌های انسانی، مادی و اجتماعی را نابود می‌کند، بلکه کشورها و جوامع سازمان‌یافته را از منابع اقتصادی و توانایی‌های نظامی تهی می‌سازد. همه طرف‌ها با درگیر شدن در تسلسل باطلی از خصومت و خشونت، قربانی مناقشات مداوم اجتماعی می‌شوند.

به همین میزان، فلج شدن عملی توان سیاسی کشور، ویران‌گر است. کشورهایی که از مناقشات مداوم محلی رنج می‌برند، نمی‌توانند سیستم مدیریت واحد و حکمرانی مطلوب را تجربه کنند. مشارکت گروه‌ها در قدرت و ترکیبی که دستگاه سیاست‌سازی در نتیجه آن پیدا می‌کند، چندپارگی بروکراسی را افزایش می‌دهد و زواید پرهزینه به وجود می‌آورد. مثلاً کابینه دولت لبنان که متشکل از فرقه‌های مذهبی مختلف است، صحنه نبرد وزرا و کارگزاران بلندمرتبه حکومتی است. این اشخاص بین تعهدات مختلف اداری، گروهی و ملی گرفتار شده‌اند. در نتیجه هماهنگ کردن سیاست‌ها و وضوح بخشیدن به آنها به پایین‌ترین حد خود می‌رسد (آذر و ایمون، ۱۳۷۹: ۱۳۱-۱۲۶).

۴- افزایش مهاجرت

با افزایش خشونت‌ها به دلیل درگیری‌های ناشی از شکاف‌های قومیتی، احتمال مهاجرت و کوچ مطرح می‌شود. این موضوع نه تنها بارها در گذشته رخ داده، بلکه در دنیای امروزی نیز در حال رخ دادن است. از جمله این موارد، کوچ اجباری بیش از میلیون‌ها نفر ارمنی توسط حکومت عثمانی است. طراحان مسأله‌ی پان‌ترکیسم برای یکسان‌سازی کشور ترکیه در آن زمان و پاکسازی این کشور از آرامنه (به‌عنوان قوم اقلیت) اقدام به اجرای قانون تبعید اجباری یا همان «قانون تهجیر» در سال ۱۹۱۵ کردند.

در سال‌های اخیر نیز شاهد مهاجرت کلان و میلیونی آوارگان جنگ سوریه و مهاجرت اقلیت‌ها از شمال عراق از بیم قتل عام توسط داعش بوده‌ایم. چنین مهاجرت‌هایی نه تنها برای کشور مبدأ با تهدیدهای امنیتی همراه است، بلکه برای کشورهای مقصد نیز منجر به تهدید خواهد شد.

حال که به آثار عدم انسجام ملی و شکاف بر بخش‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی اشاره شد، در این بخش ضروریست تا به دو مورد از مهم‌ترین علل بروز عدم همگرایی ملی و یا تقویت همگرایی ملی اشاره شود:

- نقش عوامل اقتصادی در بروز یا تشدید واگرایی ملی

شکل‌گیری و تشدید پدیده محرومیت در سطح فرد و جامعه با تأکید بر متغیرهای اقتصادی به دو صورت قابل بیان است: ۱- محرومیت درون‌زا و ۲- محرومیت برون‌زا

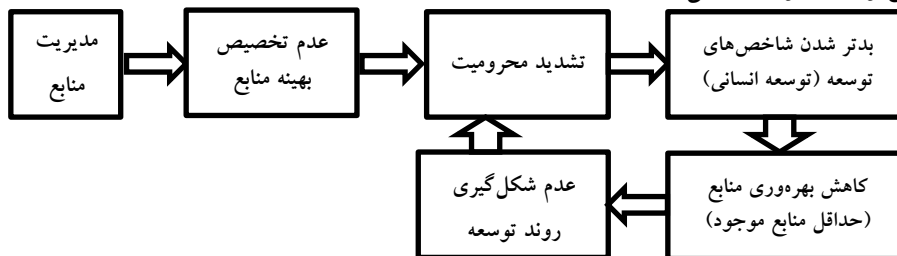
- محرومیت درون‌زا

شرایطی است که در آن فرد یا جامعه به دلیل برخوردار نبودن از استعدادها و منابع و شرایط لازم در دسترسی و بهره‌مندی از برخی مواهب و پیشرفت‌ها دچار محدودیت‌های است و به واسطه‌ی این امر در محرومیت قرار دارد. نکته بارز در این خصوص آن است که در شکل‌گیری این نوع محرومیت عامل خارجی دخالتی ندارد.

- محرومیت برون‌زا

شرایطی است که در آن فرد یا جامعه به دلیل برخی اقدامات، سیاست‌ها و تصمیمات از ناحیه عامل خارجی (فرد، گروه، دولت، جامعه، حوادث و...) از دسترسی و بهره‌مندی از مواهب، منابع و عواید ناشی از توسعه محروم است و به این دلیل در محرومیت قرار دارد. به عبارت دیگر، فرد یا جامعه در این حالت، با توجه به ملاحظات خاص از ناحیه عامل بیرونی، در شرایط محرومیت قرار می‌گیرد.

به‌طور معمول فرض بر آن است که شکل‌گیری چرخه محرومیت برای فرد یا نسبتی از جامعه بیشتر متأثر از عامل بیرونی است. به عبارت دیگر، از آنجا که در هر نظام اجتماعی، دولت به‌عنوان عامل بیرونی وظیفه کنترل و راهبری نظام اجتماعی (سیاست‌گذاری - تصمیم‌گیری) را برعهده دارد، می‌باید براساس وظایف معمول با بهره‌گیری از ابزارهای لازم، جنبه‌های محرومیت فردی و اجتماعی را تقلیل دهد. بنابراین، چرخه محرومیت نسبی را می‌توان به‌صورت شکل شماره‌ی ۱ نشان داد.



شکل شماره‌ی ۱: چرخه محرومیت نسبی

مأخذ: جعفری (۱۳۹۷: ۳۱۲)

بدیهی است که تداوم این چرخه به صورت تصاعدی رشد خواهد کرد (رشد مارپیچی) و فراگیر خواهد شد. آنچه مسلم است آن است که در این شرایط دولت به عنوان عامل بیرونی می تواند چرخه محرومیت را از طریق مدیریت منابع با تخصیص و توزیع هدفدار و مؤثر منابع و امکانات، تضعیف و حتی از بین ببرد (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۹۵-۹۲).

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این پژوهش به منظور تحلیل آماری داده‌های گردآوری شده از طریق توزیع پرسشنامه بین ۸۴ نفر، از دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده است. در بخش آمار توصیفی با استفاده از جدول‌های فراوانی و توصیفی به توصیف داده‌های تحقیق پرداخته خواهد شد و در بخش آمار استنباطی نیز از آزمون‌های مناسب آماری استفاده می‌شود. همان گونه که گفته شد، به منظور بررسی تأثیر توسعه متوازن، شاخص‌هایی مطابق با استانداردهای بین‌المللی^۱ و براساس تحقیقات انجام شده پیشین، تدوین شد که تأثیر این شاخص‌ها بر همگرایی ملی نشان‌دهنده‌ی میزان تأثیر توسعه متوازن بر همگرایی ملی است. این شاخص‌ها عبارتند از ۱- توسعه اقتصادی ۲- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها ۳- سرمایه‌گذاری انسانی (توسعه انسانی) ۴- سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی ۵- سرمایه‌گذاری عمرانی دولت ۶- بیکاری جوانان ۷- فساد در جامعه ۸- شکاف طبقاتی. به منظور اعتبار سنجی، میزان اثرگذاری این شاخص‌ها، از نخبگان مرتبط با این حوزه تحقیق شد که در ادامه پاسخ ایشان به سؤال‌های مربوط به هر شاخص ارائه می‌شود.

۱- نقش توسعه اقتصادی بر همگرایی ملی

جدول شماره ۲: نقش توسعه اقتصادی بر انسجام ملی در مناطق مرزی

نقش عامل	فراوانی	درصد
ضعف	۰	
قوت	۶۱	۷۳
تهدید	۴	۰/۵
فرصت	۱۹	۲۲/۵

همان‌طور که از جدول شماره ۲ مشخص است ۷۳ درصد از سؤال‌شوندگان توسعه

۱. مراکز معتبر بین‌المللی شامل، World Bank، Doing Business، Transparency International و گزارش شاخص رفاه لگاتوم ۲۰۱۷ این استانداردها را احصاء کرده است.

اقتصادی را عامل قوت انسجام و همگرایی ملی در مناطق مرزی می‌دانند و بیش از ۲۲ درصد آنها توسعه اقتصادی را فرصت برای افزایش همگرایی ملی محسوب می‌کنند.

جدول شماره ۳: میزان تأثیر توسعه اقتصادی در ایجاد همگرایی ملی در مناطق مرزی

میزان تأثیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	۰		
کم	۰		
متوسط	۹	۱۰	۱۰
زیاد	۲۱	۲۵	۳۵
خیلی زیاد	۵۴	۶۵	۱۰۰

براساس جدول شماره ۳، حدود ۹۰ درصد از پاسخ‌دهندگان، نقش توسعه اقتصادی را با ضریب تأثیرگذاری زیاد و خیلی زیاد در ایجاد همگرایی ملی در مناطق مرزی ارزیابی کرده‌اند.

۲- نقش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها بر همگرایی ملی

جدول شماره ۴: نقش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها بر همگرایی ملی

نقش عامل	فراوانی	درصد
ضعف	۰	
قوت	۵۳	۶۳
تهدید	۵	۶
فرصت	۲۶	۳۱

براساس جدول شماره ۴، نقش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها از نظر ۶۳ درصد نخبگان به‌عنوان عامل قوت و از نظر ۳۱ درصد به‌عنوان عامل فرصت‌ساز مطرح است.

جدول شماره ۵: میزان تأثیر سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها در ایجاد همگرایی ملی در مناطق مرزی

میزان تأثیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	۰		
کم	۰		
متوسط	۹	۱۰	۱۰
زیاد	۳۳	۴۰	۴۰
خیلی زیاد	۴۲	۵۰	۱۰۰

این جدول نیز نشان می‌دهد ۹۰ درصد نخبگان مورد پرسش اعتقاد دارند که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها به میزان زیاد و خیلی زیاد بر همگرایی ملی در مناطق مرزی تأثیر دارد. به عبارتی این عامل مهم با اثرگذاری بسیار بالا در جهت تقویت همگرایی ملی در مناطق مرزی است.

۳- نقش سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی بر همگرایی ملی در مناطق مرزی

جدول شماره ۶: نقش سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی بر همگرایی ملی در مناطق مرزی

نقش عامل	فراوانی	درصد
ضعف	۰	
قوت	۶۱	۷۳
تهدید	۳	۴
فرصت	۲۰	۲۳

این جدول نشان می‌دهد که ۷۳ درصد پاسخ‌دهندگان، نقش سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی را عامل قوت همگرایی ملی در مناطق مرزی و ۲۰ درصد از نخبگان به‌عنوان یک فرصت برای افزایش همگرایی ملی می‌دانند.

جدول شماره ۷: میزان تأثیر سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی در ایجاد همگرایی ملی در مناطق مرزی

میزان تأثیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	۰		
کم	۴	۵	۵
متوسط	۱۷	۲۰	۲۵
زیاد	۳۳	۳۹	۶۹
خیلی زیاد	۳۰	۳۵	۱۰۰

جدول شماره ۷، نشان می‌دهد که ۷۴ درصد نخبگان مورد پرسش اعتقاد دارند که سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی به میزان زیاد و خیلی زیاد بر همگرایی ملی در مناطق مرزی تأثیر مثبت دارد.

۴- نقش سرمایه‌گذاری عمرانی دولت بر همگرایی ملی در مناطق مرزی

جدول شماره ۸: نقش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها بر همگرایی ملی

نقش عامل	فراوانی	درصد
ضعف	۰	
قوت	۴۹	۵۹
تهدید	۱۱	۱۳
فرصت	۲۴	۲۸

این جدول نیز نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد پرسش شوندگان سرمایه‌گذاری عمرانی دولت را به‌عنوان عامل قوت و حدود ۳۰ درصد از ایشان به‌عنوان فرصت در جهت افزایش همگرایی ملی در مناطق مرزی در نظر می‌گیرند.

جدول شماره ۹: میزان تأثیر سرمایه‌گذاری عمرانی دولت در ایجاد همگرایی ملی در مناطق مرزی

میزان تأثیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	۰		
کم	۵	۶	۶
متوسط	۱۲	۱۴	۱۶
زیاد	۳۰	۳۶	۵۶
خیلی زیاد	۳۷	۴۴	۱۰۰

طبق نتایج مندرج در جدول شماره ۹، حدود ۸۰ درصد نخبگان مورد پرسش اعتقاد دارند که سرمایه‌گذاری عمرانی دولت به میزان زیاد و خیلی زیاد بر همگرایی ملی در مناطق مرزی تأثیر مثبت دارد.

۵- نقش توسعه انسانی بر همگرایی ملی در مناطق مرزی

جدول شماره ۱۰: نقش توسعه انسانی بر همگرایی ملی

نقش عامل	فراوانی	درصد
ضعف	۰	
قوت	۵۸	۶۹

تهدید	۴	۴/۷
فرصت	۲۲	۲۶/۳

طبق جدول شماره ۱۰، به میزان ۶۹ درصد از پرسش شوندگان اعتقاد دارند که توسعه انسانی به عنوان عامل قوت و حدود ۲۶ درصد آنها به عنوان عامل فرصت و کمتر از ۵ درصد به عنوان عامل تهدید بر افزایش همگرایی ملی در مناطق مرزی محسوب می‌شوند.

جدول شماره ۱۱: میزان تأثیر توسعه انسانی در ایجاد همگرایی ملی در مناطق مرزی

میزان تأثیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	۰		
کم	۵	۵/۹	۵/۹
متوسط	۱۲	۱۴/۳	۲۰/۲
زیاد	۳۵	۴۱/۸	۶۲
خیلی زیاد	۳۲	۳۸	۱۰۰

طبق جدول شماره ۱۱، حدود ۷۰ درصد از پاسخ‌دهندگان، بر میزان تأثیر زیاد و خیلی زیاد توسعه انسانی در ایجاد و افزایش همگرایی در مناطق مرزی تأکید دارند.

۶- نقش بیکاری جوانان بر انسجام ملی در مناطق مرزی

جدول شماره ۱۲: نقش بیکاری جوانان بر انسجام ملی در مناطق مرزی

نقش عامل	فراوانی	درصد
ضعف	۶۱	۷۲/۶
قوت	۰	۰
تهدید	۲۳	۲۷/۴
فرصت	۰	۰

براساس جدول شماره ۱۲، حدود ۶۱ درصد از نخبگان، بیکاری را به عنوان یک عامل تضعیف‌کننده انسجام ملی و ۲۳ درصد ایشان به عنوان عامل تهدیدزای انسجام ملی به شمار می‌آورند.

جدول شماره ۱۳: میزان تأثیر بیکاری جوانان بر ایجاد همگرایی ملی در مناطق مرزی

میزان تأثیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	۰	۰	۰
کم	۰	۰	۰
متوسط	۲۸	۳۳/۳	۳۳/۳
زیاد	۵۰	۵۹/۵	۹۲/۸
خیلی زیاد	۶	۷/۲	۱۰۰

طبق جدول شماره ۱۳، در حدود ۶۵ درصد از پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه‌های این تحقیق، نقش بیکاری جوانان را به میزان زیاد و خیلی زیاد مؤثر بر همگرایی ملی مناطق مرزی ارزیابی کرده‌اند.

۷- نقش فساد در جامعه بر انسجام ملی در مناطق مرزی

جدول شماره ۱۴: نقش فساد در جامعه بر انسجام ملی در مناطق مرزی

نقش عامل	فراوانی	درصد
ضعف	۲۱	۲۵
قوت	۰	۰
تهدید	۶۳	۷۵
فرصت	۰	۰

همان‌طور که از جداول ۱۴ مشخص است بیش از ۷۵ درصد از پاسخ‌دهندگان نقش فساد در جامعه را به‌عنوان یک عامل تهدیدزا و ۲۵ درصد به‌عنوان عامل تضعیف انسجام ملی محسوب کرده‌اند.

جدول شماره ۱۵: میزان تأثیر فساد در جامعه بر ایجاد همگرایی ملی در مناطق مرزی

میزان تأثیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	۰	۰	
کم	۰	۰	
متوسط	۱۴	۱۶/۶	۱۶/۶
زیاد	۵۱	۶۰/۷	۷۷/۳
خیلی زیاد	۱۹	۲۲/۷	۱۰۰

طبق جدول شماره ۱۵، بیش از ۸۲ درصد از ایشان عامل فساد را با ضریب تأثیرگذاری منفی زیاد و خیلی زیاد بر همگرایی ملی ارزیابی کرده‌اند.

۸- نقش شکاف طبقاتی بر انسجام ملی در مناطق مرزی

جدول شماره ۱۶: نقش شکاف طبقاتی بر انسجام ملی در مناطق مرزی

نقش عامل	فراوانی	درصد
ضعف	۳۶	۴۲/۸
قوت	۰	۰
تهدید	۴۸	۵۷/۲
فرصت	۰	۰

طبق جدول شماره ۱۶، شکاف طبقاتی از نظر ۴۸ درصد نخبگان به‌عنوان عامل تهدید و ۳۶ درصد از ایشان به‌عنوان عامل تضعیف انسجام ملی می‌دانند.

جدول شماره ۱۷: میزان تأثیر شکاف طبقاتی بر ایجاد همگرایی ملی در مناطق مرزی

میزان تأثیر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم			
کم			
متوسط	۱۰	۱۱/۹	۱۱/۹
زیاد	۲۱	۲۵	۳۶/۹
خیلی زیاد	۵۳	۶۳/۱	۱۰۰

همان‌طور که از جدول شماره ۱۷ مشخص است، بیش از ۸۸ درصد از نخبگان شکاف طبقاتی را با ضریب تأثیرگذاری منفی زیاد و خیلی زیاد بر همگرایی ملی در مناطق مرزی ارزیابی کرده‌اند.

به‌منظور پاسخ به پرسش تحقیق از آزمون میانگین تک نمونه‌ای استفاده شده است. به این شکل که میانگین پاسخ‌های داده شده به هر عامل با عدد ۳ که مقدار حد واسط است، مقایسه می‌شود، چنانچه اختلافی وجود نداشته باشد آن عامل از دید پاسخگویان از اهمیت متوسطی برخوردار بوده و در نتیجه، آن عامل مؤثر محسوب نمی‌شود. چنانچه میانگین نمرات داده شده به هر عامل بیش از ۳ باشد، نتیجه گرفته می‌شود که

آن عامل از اهمیت بالا برخوردار بوده و به عنوان یک عامل مؤثر در همگرایی ملی در مناطق مرزی محسوب می شود و چنانچه میانگین نمرات داده شده کمتر از ۳ باشد، عامل مورد نظر از دید پاسخگویان از اهمیت پایینی برخوردار است. نتایج آزمون اختلاف میانگین عوامل با عدد ۳ در جدول زیر رسم شده است:

جدول شماره ۱۸: آزمون انحراف از میانگین با عدد ۳

ردیف	عامل	میانگین	Sig(2-tailed)	نتیجه
۱	توسعه اقتصادی چه میزان باعث همگرایی ملی می شود	۶۳/۵	۰/۰۰۱	عامل مؤثر است
۲	سرمایه گذاری در زیرساخت ها چه میزان منجر به همگرایی ملی می شود	۵۸/۵	۰/۰۰۱	عامل مؤثر است
۳	سرمایه گذاری در سرمایه اجتماعی چه میزان منجر به همگرایی ملی می شود	۵۲/۵	۰/۰۰۱	عامل مؤثر است
۴	سرمایه گذاری عمرانی دولت چه میزان منجر به همگرایی ملی می شود	۶۴/۵	۰/۰۰	عامل مؤثر است
۵	توسعه انسانی چه میزان منجر به همگرایی ملی می شود	۴۵/۲	۰/۰۰۲	عامل مؤثر است
۶	بیکاری جوانان چه میزان مانع از همگرایی ملی می شود	۷۲/۸	۰/۰۰	عامل مؤثر است
۷	فساد در جامعه چه میزان مانع از همگرایی ملی می شود	۶۸/۷	۰/۰۰۱	عامل مؤثر است
۸	شکاف طبقاتی چه میزان مانع از همگرایی ملی می شود	۷۲/۴	۰/۰۰	عامل مؤثر است

نتایج حاصل از جدول بالا حاکی از آن است که ردیف های ۱ تا ۵ تا حد زیادی منجر به ایجاد همگرایی ملی در مناطق مرزی و عوامل ذکر شده در ردیف های ۶ تا ۸ با تأثیرگذاری زیاد و خیلی زیاد مانع از همگرایی ملی در مناطق مرزی می شود.

نتیجه گیری

توجه صرف به مسائل سیاسی - امنیتی، امکان ایجاد انسجام ملی را در شرایط عمومی و بلندمدت فراهم نمی کند. موضوع انسجام، یک مسأله ای چند وجهی است که بستر اقتصادی و درهم تنیدگی ارتباطات اقتصادی، با قدرت کهربایی خود به عنوان اهرمی

قوی، یکی از مهم‌ترین علل تحقق آن است. بدیهی است ایجاد بستر توسعه اقتصادی، از کارکردهای اصلی هر حکومتی است و اگر این مهم یعنی توجه کافی به توسعه اقتصادی متوازن براساس مزیت‌های نسبی مناطق و نیازمندی شبکه‌ای اقتصادی مناطق مختلف صورت بگیرد، همگرایی و انسجام ملی در مقابل واگرایی قومیتی، بازخورد طبیعی آن خواهد بود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، ایجاد انسجام و وحدت، در پرتو توزیع مناسب فرصت‌ها، موجب برقراری امنیت پایدار منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی خواهد شد. به طوری که بهم خوردن امنیت منطقه به منزله از بین رفتن منافع افراد ذی‌نفع همان منطقه خواهد شد. این درهم‌آمیختگی منافع به‌طور طبیعی موجب هم‌افزایی بیشتر در ارتقای همگرایی می‌شود که متعاقباً امنیت اجتماعی را افزایش می‌دهد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، توسعه اقتصادی متوازن یعنی توسعه منسجم و هدفمند براساس برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و توجه به آمایش سرزمین موجب می‌شود تا مزیت‌های نسبی هر منطقه، صرفه اقتصادی متناسب با خود را به ارمغان بیاورد و مناطق به لحاظ رفع نیازمندی‌های خود به یکدیگر وابسته شوند. این امر افزایش همگرایی معیشتی را موجب خواهد شد. به عبارت دیگر توزیع مناسب منابع براساس الگوی دقیق تجاری، موجب تقویت مشارکت اقتصادی قومی، منطقه‌ای و ملی می‌شود. این امر در مرحله اول محرومیت درون‌زا که به فرد و جامعه کمتر برخوردار مربوط می‌شود را کاهش می‌دهد و در مرحله بعد محرومیت برون‌زا را محدود می‌کند.

براساس یافته‌های پژوهش که از مطالعات داخلی و خارجی و انجام تحقیقات میدانی و نظرسنجی از نخبگان حوزه تحقیق صورت گرفت، برای افزایش همگرایی ملی باید از بهبود وضعیت شاخص‌های اقتصادی مقوم همگرایی و انسجام ملی کمک گرفت و جهت بهبود این شاخص‌ها، سیاستگذاری صحیح را دنبال کرد. توجه به نتایج این پژوهش که طی جداول شماره ۲ تا ۱۸ آمده است نشان می‌دهد که شاخص توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی، سرمایه‌گذاری عمرانی و توسعه انسانی به‌عنوان عامل قوت از سوی ۶۰ درصد پاسخگویان و به‌عنوان عامل فرصت توسط ۳۰ درصد آنها مورد تأکید قرار گرفتند. هم‌چنین سه شاخص بیکاری جوانان، فساد اقتصادی در جامعه و شکاف طبقاتی (توزیع نامناسب منابع)، به‌عنوان عوامل ضعف و تهدید به ترتیب به‌طور متوسط ۴۰ درصد و ۴۵ درصد از سوی نخبگان مطرح هستند و این شاخص‌ها با ضریب میانگین ۸۰ درصد به میزان زیاد و خیلی زیاد اثر منفی بر همگرایی ملی دارند. این نتایج نشان می‌دهد که

عوامل تقویت کننده‌ی همگرایی ملی باید در بهبود شاخص‌های اقتصادی از جمله سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، توسعه انسانی و توسعه اقتصادی از سوی دولت‌ها دنبال شود. همچنین مؤلفه‌های بیکاری جوانان، فساد اقتصادی و شکاف طبقاتی در اشکال مختلف آن می‌تواند بیشتر زمینه‌های تضعیف همگرایی ملی را به دنبال داشته باشد. از این رو، دولت‌ها باید از شکل‌گیری عوامل تضعیف کننده همگرایی ملی، خودداری کنند.

پیشنهادها

با توجه به نتایج به دست آمده در این مطالعه، در پایان پیشنهاد می‌شود، مجلس شورای اسلامی با همکاری قوه مجریه و قضاییه، در تدوین بودجه سالانه و نیز برنامه‌های توسعه ۵ ساله، ضمن توجه بیشتر به ظرفیت‌های بومی و ملی مناطق مختلف کشور، توسعه همه‌جانبه و متوازن کشور را براساس برنامه آمایش سرزمین و ظرفیت‌های منحصربه‌فرد هر بخش، در نظر بگیرند. تا انسجام و همگرایی هرچه بیشتر در کل مناطق و اقوام کشور ميسر شود.

توجه هرچه بیشتر به ظرفیت‌های گوناگون مناطق و اقوام کشور و توزیع متناسب منابع عمومی براساس اصول دقیق اقتصادی که بر پایه مزیت‌های نسبی مناطق پایه‌گذاری شده است، موجب می‌شود تا علاوه بر کاهش هزینه‌ای عمومی کشور، وابستگی اقوام و مناطق مختلف کشور به یکدیگر افزایش یابد و انسجام ملی تقویت شود که در نهایت این امر موجب افزایش سرمایه اجتماعی و امنیت ملی نیز خواهد شد.

منابع

- اطاعت، جواد؛ موسوی، سیده زهرا (۱۳۹۰)؛ «رابطه متقابل امنیت ناحیه‌ای و توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی با تأکید بر سیستان و بلوچستان»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، س ۷، ش ۱، صص ۸۷-۷۰.
- بازشناسی ایران و اسلام (۱۳۷۹)؛ *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱، ش ۴، صص ۳۳۴-۳۲۷.
- بهفروز، فاطمه (۱۳۷۴)؛ زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران.
- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۰)؛ *نگرشی ژئوپلیتیکی بر پدیده جهانی شدن*، تهران: دوره عالی دافوس دانشگاه دفاع ملی.
- جعفری، محمد (۱۳۹۷)؛ *برآورد تهدیدات امنیت اقتصادی*، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- خضری، محمد؛ فرجی‌راد، خدر؛ قاسمی، محمد (۱۳۹۶)؛ «پیامدهای امنیتی ناموزونی توسعه منطقه‌ای در ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، دوره ۲۰، ش ۷۸، صص ۱۸۶-۱۵۹.
- رحمانی، تیمور؛ حسن‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۰)؛ «اثر مهاجرت بر رشد اقتصادی و همگرایی منطقه‌ای در ایران»، *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، دوره ۲، ش ۵، صص ۱۹-۱.
- رضازاده، زهره؛ شاطری، مفید؛ راستی، عمران (۱۳۹۳)؛ «اقدامات توسعه‌ای و نقش آن در تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی، مطالعه موردی: کمربند سبز دشت خوشاب/مرز خراسان جنوبی با افغانستان»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و اجتماعی خراسان*، دوره ۹، ش ۳۳، صص ۷۲-۴۹.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۹)؛ *توسعه و تضاد*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- رومینا، ابراهیم؛ بایزی، سیدطاهر (۱۳۹۷)؛ «تأثیر مبادلات اقتصادی در توسعه شهرهای مرزی (مطالعه موردی: شهر پیرانشهر)»، *پرسش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۵۰، زمستان ۱۳۹۷.
- زیاری، کرامت‌الله؛ عشق‌آبادی، فرشید؛ فتحی، سیدحمید (۱۳۸۹)؛ «چالش‌های ژئوپلیتیکی توسعه نامتوازن نواحی ایران در مقطع زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵»، *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، دوره ۶، ش ۱۷، صص ۲۰۷-۱۸۱.
- صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۸۵)؛ «مدیریت تنوع قومی مبتنی بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی»، *فصلنامه راهبرد*، س ۱۳، ش ۴۰، صص ۵۰-۳۷.
- قادری، حاجت؛ عرفان، عبدی؛ جلیلی پروانه، زهرا؛ باقری‌سرنجیانه، ناصر (۱۳۸۹)؛ «تبیین نقش بازارچه‌های مرزی در امنیت و توسعه پایدار نواحی پیرامون (مطالعه موردی: بازارچه‌های مرزی استان خراسان جنوبی)»، *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، دوره ۶، ش ۱۹، صص ۱۵۱-۱۲۱.
- قیصری، نوراله؛ حسینی، سیدمهدی (۱۳۹۲)؛ «ابعاد و شاخص‌های امنیت پایدار؛ مبتنی بر مدل مهندسی همگرایی ملی»، *فصلنامه آفاق امنیت*، دوره ۶، ش ۲۰، صص ۱۰۸-۷۱.
- کریمی، مرتضی؛ وفایی، علی‌اکبر (۱۳۹۲)؛ «امنیت‌سازی با توسعه پایدار در مناطق مرزی (مطالعه موردی: شهر مریوان)»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، س ۴، ش ۱۵، صص ۱۱۲-۹۵.
- کمالی، مسعود (۱۳۸۱)؛ *جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر*، ترجمه کمال پولادی، تهران: انتشارات باز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)؛ *راه سوم، بازسازی سوسیال دموکراسی*، ترجمه منوچهر صبوری، ج ۱، تهران: نشر شیرازه.
- ----- (۱۳۸۱)؛ *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، ج ۸، تهران: نشر نی.
- گیروشه (۱۳۸۰)؛ *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، ویرایش ۲، ج ۱۲، تهران: نشر نی.
- موکی‌بلی، روزبه (۱۳۷۰)؛ *پویایی گروه‌ها*، ترجمه فریدون وحید، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.



- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۲)؛ *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه حسین ثلاثی، تهران: نشر علم.
- ویسیان، محمد؛ زمانی، صادق؛ عین‌شاهی، محمد (۱۳۹۶)؛ «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه امنیت پایدار - مطالعه موردی: استان کردستان»، *همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت: چالش‌ها و رهیافت‌ها*، فروردین ۱۳۹۱، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- "Urban Planning and Sustainable Development", Tehran (in Persian).
 - *Antagonistic Growth*, revisited in g.m. meier etc.(ed) *Pioneers in Development* (Oxford: Oxford University Press, 1984).
 - Breau, S. (2015); "Rising Inequality in Canada: A Regional Perspective", *Applied Geography*, 61, 58-69.
 - Cardenas, M, Pontoon, A (1995); "Growth and Convergence in Colombia: 1950-1990", *Journal of Development Economics*, Vol. 47, PP 5-37.
 - Hans Kramar, "Regional convergence and economic development in the EU: the relation between national growth and regional disparities within the old and the new member states", *Vienna University of Technology: Department of Spatial Planning Karlsplatz*, 13 / 1040 Vienna / Austria.
 - Hantington, Samuel (2003); *Political Order in Changing Societies*, Translated to Persian By Mohsen Salasi, Tehran, Nashr-e Elm.
 - Hirishman. a.o. Ta Hissenters "Confession the Strategy of Economic Development".
 - Huggins, Robert; Izushi, Hiro; Prokop, Daniel; Thompson, Piers (2014); Regional Competitiveness, Economic growth and stages of development, Preliminary Communication, UDC 332.14:330.34, Vol. 32, 2, PP 255-283.
 - Huggins, Robert, Izushi, Hiro, Prokop, Daniel, Thompson, Piers, (2014); *Regional competitiveness, economic growth and stages of development Preliminary communication*.
 - JAGANNATH MALLICK (2016); "REGIONAL CONVERGENCE OF ECONOMIC GROWTH DURING POST-REFORM PERIOD IN INDIA", Faculty of Economics and Administration University of Pardubice, Czech Republic, *The Singapore Economic Review*, Vol. 59, No. 2 (2014) 1450012 (18 pages).
 - Mohammadi, A. (1392); "Regional Development Strategy (RDS)", *National Conference of Geography*.
 - Timothy D. Sisk. "Power Sharing and International Mediation in Ethnic Conflicts" Sunday, September 1, 1996 / BY: U.S. Institute of Peace.